

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بریالی حنیفی  
۳۰ نومبر ۲۰۱۹

## رهائی "انس حقانی" ثبوت دیگر بر حمایت از اسلام سیاسی



چهل سال است که افغانستان و مردم آن به واسطه لشکریان اسلام سیاسی که قدمه اول پیاده نظام سیستم جهانی سرمایه داری به سرکردگی امریکا را تشکیل می دهد قربانی می شوند. در این چهل سال همه دار و ندار مردمان این سرزمین به خصوص آزادی و هرگونه مدنیت انسانی زیر چکمه های جنگ سالاران اسلامی بر باد و به فنا داده شدند. به نام اسلام و کفر و با داس مذهب چه فجایعی نبود که کشور های معتبر سرمایه داری توسط پاکستان و به واسطه همین لشکریان اسلامی انجام ندادند. کافیت به قتل و کشتار و معلولیت میلیونها انسان این جامعه در طول این زمان اشاره کرد.

عده زیادی از دوستان و خوشباوران عرصه سیاست در افغانستان بعد از حملات اسلام سیاسی به برج های نیویورک و آغاز حملات امریکا به افغانستان، چنین می پنداشتند که گویا گلیم اسلام سیاسی با این حملات، از جهان برچیده شده و به خصوص افغانستان مکان عظیمی از تسویه حساب با تروریسم اسلامی به حیث جایگاه مرکزی و محل تجمع جهانی گروه های اسلامی خواهد بود. این ها به همین عنوان، تهاجم ناتو و امریکا به افغانستان را نیز که با سر دادن شعار های صدور دموکراسی و آزادی زنان از شر طالبان و قطع تمام شریانهای فعالیت آنها به راه افتید چنین تعبیر کردند که گویا مردم افغانستان از چنگال اسلام سیاسی رهائی خواهند یافت و اسلامیتها به سوراخ های قبل از جنگ سرد رجعت داده خواهند شد. اما ما سوسیالیستهای کارگری از همان آغاز یازدهم سپتمبر همیشه و پیوسته به صورت آشکارا و با فاکتهای انکارناپذیر تصریح کرده بودیم که چنین تصویری از دنیا یا افغانستان بعد از یازدهم سپتمبر و یا بعد از طالبان، از منتهای خوشباوری سیاسی و قبل از همه فقدان یا عدم درک و شناخت ماهوی سیستم سرمایه داری در نزد کسانی ناشی می شود که بخش عظیمی از رسالت شان را همین ریاکاری و نمایش جعلی واقعیات تشکیل می دهد. ما تصریح کرده بودیم که اولاً برچیدن بساط امارت اسلامی طالبان به معنای برچیدن بساط تفکر طالبانی در افغانستان نه بلکه تنها تغییر شکل بوده و در ماهیت مسأله که همان بنیاد های تفکر و حاکمیت اسلام سیاسی باشد تغییری وارد نمی نماید، بلکه برای آنها در هویت جدید و در کادر قوانین دوباره حیثیت می

بخشد. دوم تصریح نموده بودیم که چارچوب اجلاس "بن" اول و عروج مجدد جهادی ها در قدرت سیاسی بعد از آنهمه جنایات تکانه‌دهنده دهه نود که برای مردم افغانستان به نام بزرگترین تراژیدی قرن مسماست، خود ستراتیژی شفاف ناتو و امریکاست که نمی خواهد در عمل بساط جنایتکاران جهادی و به تبع آن تفکر طالبانی را از افغانستان برچیند و زمینه ایجاد یک حاکمیت متعارف بورژوائی خود شان را نیز مساعد بسازد.

اعلام بارک اوباما در ایام ریاست جمهوری اش که طالبان دشمن ما نیستند، اعلام رسمی پایان دشمنی امریکا با طالبان بعد از کشتن بن لادن، تروریست خواندن طالبان توسط تمامی دولتمداران پسا طالبانی همه حکایت از آن داشت که در قبال تمامی جنایاتی که تروریسم طالب و حزب اسلامی حکمتیار هر روزه در برابر مردم افغانستان انجام می دهند، معامله سیاسی و تلبانی وجود دارد که در راستای تطهیر این جنایتکاران و ستراتیژی حفظ و فریب نگهداشتن نیروی اسلام سیاسی به کار گرفته می شود.



حکومت ارتجاعی اشرف غنی بارها گفته بود که رهائی انس حقانی خط سرخ حکومت است. چون وی خودش نیز حد اقل آگاه بود که شبکه حقانی چه جنایتهای تکان دهنده ای را علیه مردم افغانستان انجام داده و چگونه جامعه خواهان مجازات سنگین برای وی است. اما از آنجائی که این رهائی در تلبانی و حتی با فرمان حکومت امریکا زیر نام مبادله دو استاد دانشگاه امریکائی کابل سازماندهی گردیده، دولت پوشالی از کوچکترین واکنش غیر از آنچه هدایت داده شده، نداشت و ندارد.

این که بر سرنوشت خط سرخ های دیگر این حاکمیت و پدیده ای به نام « حقوق زنان »، « قانون اساسی » مانند دستاورد های هجده ساله در برابر مذاکرات با طالبان چه خواهد آمد، از همین اکنون مسلم است. به صورت فشرده می توان نتیجه گرفت که دقیقاً بر سبیل چنین یک سیاست مماشات با اسلام سیاسی است که دشمنان آزادی و آزادیخواهی در افغانستان پیوسته به جای محاکمه و کنار زده شدن از بازی با زندگی و سرنوشت انسانها، دوباره و چندباره اکران می شوند و با اعزاز و اکرام چون قهرمانان استقبال می گردند و برگردۀ مردم سوارشان می کنند. رهائی هزاران طالب تروریست، پهن ساختن فرش سرخ برای گلبدین حکمتیار و دسته های آدم خوار آن و بالاخره رهائی انس حقانی و دیگران یکی از مثال های برجسته چنین سیاستی است.



در باب این که در اخبار آمده است که گویا تا روز شنبه هجده فیروزی بنابر عامل نامعلومی هنوز این مبادله انجام نیافته است، باید گفت که این وجه قضیه به هیچ صورت و شکلی از ماهیت آن تصمیم ارتجاعی و معامله ضد بشری ذره ای نیز نمی کاهد. در قبال هرگونه تعلیق و یا حتی انصراف از چنین جنایتی، چیزی که عیان است و غیر قابل انکار، عبارت از بی احترامی به اراده و طغیان خشم میلیونها انسان آسیب رسیده از جنایت این جانپان در مجموع و شبکه حقانی به صورت مشخص خواهد بود.